



## بررسی نقش و جایگاه علم در احیای تمدن اسلامی از منظر نهج البلاغه

مریم حسینی<sup>۱</sup>، احترام پناهی<sup>۲</sup>

۱- کارشناسی کار و فناوری دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر شیراز

۲- کارشناسی ارشد الهیات گرایش علوم قرآنی دانشگاه علوم قرآنی فسا

### چکیده

مسئله بررسی نقش و جایگاه علم موضوعی است که در رابطه با آن پژوهش‌های زیادی نگارش می‌شود.

همچنین در رابطه با موضوع احیای تمدن اسلامی در نهج البلاغه و بررسی روابط و تاثیرات آنها بر روی هم نیز جای بسی تامل است. پژوهشگران در رشته الهیات و معارف اسلامی همواره بررسی‌های علمی و پژوهشی خود را در این رابطه در معرض مخاطبین این رشته قرار داده‌اند. در مقاله حاضر نیز تلاش شده است که این موضوع بیشتر و دقیق‌تر بسط داده شود. تمدن اسلامی توسط پیامبر اسلام بنیان نهاده شد و در مدت کوتاهی در اقصی نقاط عالم فراگیر شد. پس از پیامبر، حضرت علی نقش بسیار مهمی در تثبیت تمدن اسلامی ایفا نمود.

روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و فیش برداری و استفاده از منابع نظری و تئوری درباره نقش و جایگاه علم و احیای تمدن اسلامی در نهج البلاغه بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فاکتورهای مورد بحث ارتباط عمیق و غیر قابل اجتنابی با هم دارند و رابطه معنا داری بین داده‌های پژوهش وجود دارد یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد حضرت علی بینش تمدنی و شخصیتی تمدن ساز داشته است. نقش اساسی حضرت در تمدن اسلامی، تقویت مؤلفه‌های تمدن‌ساز فرهنگ اسلامی در میان مردم و به کارگیری آن در حکومت خویش است. اخلاق، آزادی، عزت و کرامت انسانی، عدالت، حق مداری، اقتصاد و وحدت و همبستگی از مؤلفه‌های اصلی تمدن ساز در سیره و حکومت علوی می‌باشد. توجه به معیارهایی که علی برای حکومتش ترسیم کرده بود، نشان می‌دهد رویکرد امام علی رویکردی تمدن ساز بود و هر یک از معیارهای حکومت ایشان قدمی برای ساخت و تثبیت تمدن اسلامی بوده است.

کلید واژه: الهیات، تمدن اسلامی، علم، نهج البلاغه



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مقدمه

پژوهشگران و محققین برتر در رشته الهیات و معارف اسلامی در طول سالیان متوالی سعی بر این داشته اند که مطالعات گسترده ای بر روی نقش و جایگاه علم و زیر مجموعه های پژوهشی آن داشته باشند. به طور قطع به یقین باید گفت که موضوع نقش و جایگاه علم و پرداختن و وجوه مختلف و جنبه های گوناگون تحقیقاتی در این رابطه می تواند راهگشای دقیقی در رابطه با علم آموزان عرصه الهیات و معارف اسلامی باشد.

به جرئت می توان گفت که پرداختن به موضوع نقش و جایگاه علم یکی از اساسی ترین مسائلی است که می توان در الهیات و معارف اسلامی به آن پرداخت و همچنین در این رابطه موضوع مهمی که جای بحث دارد موضوع احیای تمدن اسلامی در نهج البالغه است. پرداختن به این موضوع می تواند راهبرد های آموزشی غیر قابل وصفی را در اختیار پژوهشگران قرار دهد. یکی از مهمترین مسائل پیرامون نقش و جایگاه علم موضوع احیای تمدن اسلامی در نهج البالغه است که می تواند نقش تعیین کننده ای را در رابطه با نتایج پژوهش های پژوهشگران الهیات و معارف اسلامی ایفا نماید. پژوهش گران الهیات و معارف اسلامی بر این باورند که در رابطه با نقش و جایگاه علم می توان پژوهش های علمی و مسائل پرمغز و پر محتوایی را ارائه نمود که یکی از مهمترین این وجوه قابل پژوهش الهیات و معارف اسلامی است.

همانگونه که واقفیم در رشته الهیات و معارف اسلامی فاکتور ها و محور های پژوهشی بیشماری وجود دارد که پرداختن به هر کدام از آن موارد می تواند یک سری از مشکلات اساسی را از نظام آموزشی و پرورشی کشور ما برطرف نموده و مرتفع سازد. چرا که متأسفانه در کشور ما از کمبود منابع مطالعاتی رنج می بریم و خصوصاً در الهیات و معارف اسلامی هنوز خیلی مانده است که به نقطه قابل اعتماد و امیدوار کننده ای برسیم. بنا بر این نیاز است که در این رابطه در رشته الهیات و معارف اسلامی تحقیقات و پژوهش های قابل قبولی صورت گیرد.

آمار ها نشان می دهد موضوع نقش و جایگاه علم یکی از اساسی ترین موضوعاتی است که جای بحث دارد و نقش تعیین کننده ای در نظرات اندیشمندان و پژوهشگران رشته الهیات و معارف اسلامی دارد. آنچه حائز اهمیت است پرداختن به موضوع نقش و جایگاه علم و همچنین موضوعاتی چون احیای تمدن اسلامی در نهج البلاغه می تواند افق های تازه ای را در عرضه الهیات و معارف اسلامی در پیش روی اندیشمندان باز کند. بنا بر



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

این نیاز است که به موضوع نقش و جایگاه علم و احیای تمدن اسلامی در نهج البلاغه به صورت گسترده تری پرداخته شود و این موضوع به مسائل پیش رو و چشم انداز های پژوهشی آتی بسط داده شود.

## بیان مسئله

پژوهش به عنوان زیرمجموعه ای از نهاد علم، زیربنای توسعه در عصر اطلاعات است و اساسا هر جامعه ای برای برنامه ریزی در سطح خرد و کالان و گذار موفقیت آمیز ناگزیر از ساماندهی و مدیریت کارآمد و اثربخش امور پژوهشی است. موفقیت روزافزون علم در شناخت جهان هدف دار و قانونمند که با تکیه بر ابتکارات خالقیت های به ودیعه نهاده شده از سوی خدای متعال در وجود بشر و بهره برداری از قدرت شگرف اندیشه آدمی صورت گرفته، فضای زندگی جدیدی را برای انسان ها به ارمغان آورده است. این فضای جدید و این تمدن نوظهور که خود برخاسته از تعاملات عمیق میان تمدنی و میان فرهنگی است، موجد خواست ها، نیازها، اندیشه ها، مسائل و مشکلاتی است که به نوبه خود توسعه علم و اندیشه را می طلبند

در این مسیر اندیشه های ژرف در قالب پژوهش های بنیادین صورت بحث پذیر به خود می گیرند و دستمایه انجام پژوهش های کاربردی می شوند تا خواست ها و نیازها را پاسخ گویند و راه حل های بهتر و بیشتری برای مسائل و مشکلات جوامع بشری پیشنهاد کنند و همین جاست که نقش موثر و سهم بسزای بخش تحقیقات در روند تحولات جوامع آشکار می شود. با پیدایش اسلام و انتشار سریع و گسترده آن در میان اقوام و ملل و جلب و جذب فرهنگهای گوناگون بشری بنای مستحکم و عظیمی از فرهنگ و تمدن انسان پایهگذاری شد که در ایجاد آن ملل و نژادهای مختلفی سهیم بودند. این ملل با ارزشها و مالکهای نوین اسلامی موفق به ایجاد تمدنی شدند که بدان تمدن اسلام می گفته می شود

از این رو تمدن اسلامی تمدن یک ملت یا نژاد خاص نیست بلکه مقصود، تمدن ملت های اسلامی است که عربها، ایرانیان، ترکها و دیگران را شامل می شود (مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۹۱) که به وسیله دین رسمی یعنی اسلام و زبان علمی و ادبی یعنی عربی با یکدیگر متحد شدند (بررسی مختصر فرهنگ و تمدن اسلامی، علیاکبر دیانت، تبریز: ابن سینا، ج اول، ۱۳۳۷ ص ۷) این تمدن به درجه ای از عظمت و کمال و پهناوری است که آگاهی از همه جنبه های آن و احاطه بر همه انحاء آن کاری بس دشوار است. علی بن ابی طالب (علیه السلام) در نخستین روز حکومت خود، به صراحت و روشنی، سیاست خود را چنین بیان نمودند: «انگیزه من از حکومت احیای دین و برقراری قسط و عدل در جامعه می باشد و روش من همان سیره رسول اکرم (صلی اهلل علیه و اله) خواهد بود. (لو غبت عنکم من یسیر فیکم بهذه السیره-عبدالرزاق، المصنف، ج ۱۰، ص ۱۲۵).

مولی الموحدین، علی بن ابی طالب (علیه السلام)، پیش از هر اقدامی، درصدد احیای دین و ارزش های معنوی

در حوزه اسلامی برآمد. علی (علیه السلام) برای تحقق این سیاست به دو صورت اقدام نمود:



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## تقویت جریان های مثبت و سازنده

زمینه سازی، تقویت و تحرک برای جریان ها، سازمان ها و گروه هایی که در جهت مثبت و خیر می باشند یکی از سیاست های مهم در حکومت حضرت علی(علیه السلام) بود؛ زیرا لازمه حاکمیت و گسترش معروف وجود زمینه های مساعد است. بنابراین، آن حضرت(علیه السلام) به طور مستمر، از لحاظ مادی و اداری این موضوع را مورد توجه قرار می داد و به عنوان یک سیاست ثابت، در کلیه برنامه ریزیها آن را در نظر داشت. از سوی دیگر، آن حضرت(علیه السلام) بر عملکرد دستگاه ها و مدیران و به کارگیری خدمتگزاران لایق در امور حساس و کلیدی در جهت تقویت و گسترش ارزش های دینی و کارهای نیک نظارت داشت.

## مبارزه مستمر با جریان های انحرافی

در هر حرکت اجتماعی، عده ای با روند اصلاح امور مخالف اند. این گروه ها، اگر در نظام اسلامی به شکل منطقی با مسائل مخالفت نمایند حکومت آنها را تحمل خواهد کرد و آنها می توانند به زندگی عادی خود مشغول باشند. اما اگر بخواهند عناد بورزند و در مقابل حرکت ها و اقدامات نظام بایستند قطعاً باید با آنها برخورد مناسبی صورت گیرد. در غیراین صورت، به تدریج با تبلیغات و نفوذ در ارکان حکومت، مشکلات متعددی را ایجاد خواهند کرد.

ادبیات تحقیق

آنچه حائز اهمیت است این است که نقش و جایگاه علم و موضوعات مربوط به آن تاثیر قابل ملاحظه ای در مسائل پژوهشی در رشته الهیات و معارف اسلامی دارد. مسائلی که در این رابطه مورد بحث است شامل موارد زیادی می باشد که هریک رابطه مستقیم و معنا داری با قضیه مذکور دارند. در این میان می توان به مقوله احیای تمدن اسلامی در نهج البلاغه اشاره نمود. در واقع مقوله احیای تمدن اسلامی در نهج البلاغه از دیدگاه پژوهشگران موضوع ای غیر قابل اجتناب پیرامون نقش و جایگاه علم می باشد. باید گفت موضوع احیای تمدن اسلامی در نهج البلاغه این موضوع را ثابت می کند که می توان در رشته الهیات و معارف اسلامی افق های تازه ای را بر روی محققین باز کرد.

در دوره ای که اندیشه نوسازی تمدن نوین اسلامی رونق گرفته، نیازمند ارائه الگوی مطلوبی از کاربرد دین در حوزه سیاسی و زمینه سازی برای ارائه مدلی از تمدن دینی هستیم. از این-رو، بررسی و تبیین مؤلفه های تمدن



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اسلامی در سیره معصومان، خاصه امام علی که خود موفق به تشکیل حکومت اسلامی گردید، اهمیت و ضرورت بسیاری دارد. نکته مهم این است که سیره امام علی، به عنوان امام مقبول شیعه و سنی، می-تواند مورد الگوبرداری در تمدن سازی نوین اسلامی در همه کشورهای اسلامی قرار گیرد. هرچند، اندیشه تمدن ساز علوی نسخه ای برای همه بشریت است؛ از این رو، آن را بایستی از یک گفتمان مذهبی به گفتمان دینی(اسلام) و سپس فرادینی بدل کنیم؛ چراکه معیارهایی که علی در حکومتش مطرح می کند، نسخه ای است برای همه انسان ها نه صرفا شیعیان و مسلمانان اگرچه عمده تحقیقات انجام یافته ی مرتبط، به چگونگی رابطه در این مقوله پرداخته اند، اما مطالعات محدودی به بررسی متغیرهای همبسته با آن اختصاص یافته اند که اساس ارائه ی یک رویکرد پیشگیرانه و مداخله ای مؤثر است، به ویژه آنکه شکل پژوهشگری در رابطه با نقش و جایگاه علم و ماهیت آن در سالهای اخیر تغییر یافته است. اکثر محققان توافق دارند که مبحث نقش و جایگاه علم و رابطه آن با احیای تمدن اسلامی در نهج البلاغه از مهمترین مسائل مورد انتظار در جامعه پژوهشی است.

یکی از بهترین روش های پژوهش پیرامون نقش و جایگاه علم، استفاده از نظرات پژوهشگران موفق است. با توجه به اینکه مسائل مربوط به نقش و جایگاه علم ابعاد و جنبه های مختلفی را در بر می گیرد، لذا ارائه ی اطلاعات جامع از فاکتورهای تحقیقاتی مربوط به آن دشوار است.

تاکنون در جامعه ما درباره ی موضوع نقش و جایگاه علم در موسسات آموزش عالی و تأثیر آن بر احیای تمدن اسلامی در نهج البلاغه و عملکرد آن ها بررسی چندانی صورت نگرفته است فقدان ابزار مناسب برای ارزیابی پژوهش های صورت گرفته و استفاده از آن در فعالیت های آموزشی، کنفرانس ها و فراخوان های علمی و آموزشی به شدت به چشم می خورد.

تاکنون اثر مستقلى در زمینه این موضوع تدوین نشده است؛ با این حال در برخی آثار ابعادی از موضوع مورد بررسی قرار گرفته است: محمدرضا کاشفی در مقاله «تأثیر امام علی بر فرهنگ و تمدن اسلامی» مطالب خوبی درباره موضوع تحقیق آورده است ولی ابعاد گوناگون موضوع را بررسی نکرده و بیشتر به تبیین شخصیت علمی امام علی پرداخته است. مرضیه اکاتی و دادخدا خدایار در مقاله «مشخصات نویسندگان مقاله نقش امام علی (ع) در گسترش تمدن اسلامی (مطالعه موردی توزیع اقتصادی)» تنها به اقدامات اقتصادی حضرت علی در این حوزه پرداخته اند. غلامحسن محرمی در برخی بخش های کتاب نقش امامان شیعه در شکل گیری و توسعه تمدن اسلامی، به تأثیر امام علی بر تمدن اسلامی اشاره داشته است. هرچند این کتاب نیز خواننده را به نقش محوری ائمه بر تمدن اسلامی رهنمون نمی سازد؛ چنانکه در مورد امام علی بیشتر بر محور انتساب برخی علوم به امام و



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

برخی اقدامات اقتصادی ایشان محدود مانده است

بسیاری از تحقیقاتی که در موسسات آموزش عالی صورت گرفته است بیشتر در مورد احیای تمدن اسلامی در نهج البلاغه و به صورت تئوری متمرکز است. اگر هر یک از راهبردهای اجرائی شده به طور کامل انجام نشود، شاید دیگر زمان آن رسیده باشد که به دنبال شناخت راهکارها و هم چنین احتمالات جدیدتری برای مشخص کردن مسائل پژوهشی مربوط باشیم. با وجود اینکه مطالعات کمی و کیفی متعددی در مورد نقش و جایگاه علم وجود دارد اما بیشتر پژوهش ها در این زمینه کمی بوده است و در آن ها به موضوعات فرآیند احیای تمدن اسلامی در نهج البلاغه که به عنوان یک فاکتور اصلی در نقش و جایگاه علم مطرح می باشد توجه نشده است. با توجه به اثرات پژوهش علمی پیرامون مسائل نقش و جایگاه علم و احیای تمدن اسلامی در نهج البلاغه لازم و ضروری بود تا در جهت روشن شدن چگونگی بررسی این موضوع پژوهش هایی انجام شود. با توجه به عدم پژوهش های کافی در زمینه نقش و جایگاه علم و نیز جدید بودن اجرای این پژوهش در جامعه مورد مطالعه، پژوهش حاضر با هدف مذکور اجرا گردید.

چارچوب نظری

پیش از تعریف تمدن اسلامی، توجه به این موضوع لازم است که در تقسیم بندی-هایی که از ادیان جهانی

می شود، اسلام در زمره ادیان تمدن ساز قرار می گیرد. گرچه ارائه تعریفی دقیق و جامع از تمدن دشوار می باشد، ولی قدر مسلم این است که هر تمدنی بر پایه دو نظام، یکی ارزشی و دیگری اجرایی استوار است. نظام ارزشی اعم از ارزش-های فردی و اجتماعی دربردارنده همه جنبه های تربیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. مطالعه تعالیم اسلامی به خوبی نشان می دهد که دین اسلام به هر روی این نظام ها التفات داشته است؛ زیرا از سویی، همه ارزش-های فردی و اجتماعی را تعریف کرده و از سوی دیگر، پایبندی به آنها را از پیروانش خواسته که در چارچوب آنها استعدادهای انسانی شکوفایی می گردد؛ خیر فراگیر و شر منکوب می شود؛ عدالت گسترده می شود و بی عدالتی و ستمگری از جامعه رخت برمی بندد.

بنابراین، همه لوازم یک تمدن انسانی و سازنده در تعالیم اسلامی گنجانده شده و بستر ایجاد تمدن در متن اسلام

فراهم است- چنان-که در یک برهه تاریخی بخش گسترده ای از جهان آن را تجربه نیز کرده است- اما بسته به

اینکه ملل و اقوام تا چه اندازه با اسلام آشنا باشند و قوانین و مقرراتش را به کار بندند، به همان میزان در قلمرو

تمدن اسلامی قرار می گیرند. باید یادآور شد که تمدن طراحی شده بر پایه اسلام افسارگسیخته نیست و حق



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

حرکت به سوی دلخواه خودش را ندارد. اسلام خواهان اجرای فرامین الهی و خیر و سعادت انسان است و هر آن چیزی که بخواهد قوانین الهی را زیر پا گذارد، یا آن را ندیده بگیرد و با هر بهانه ای بخواهد که راه خیر و سعادت را بر انسان ببندد، اسلام با آن به مقابله برمی خیزد. بر پایه همین اصل است که بسیاری از جنبه های تمدن غربی از نظر اسلام پذیرفتنی نیست؛ چرا که در بسیاری از موارد، این تمدن دستورات الهی را زیر پا می نهد، منهیات الهی را مباح می شمرد و راه خیر و سعادت را بر انسان ها می بندد. با توجه به توضیحات ارائه شده، تمدن اسلامی تمدنی دینی است که همه مؤلفه های آن بر محور اسلام باشد

این تمدن بر اساس نگرش توحیدی و مجموعه ای از ساخته ها و اندوخته های معنوی و مادی، انسان را به سوی سعادت و کمال سوق می دهد. تمدن اسلامی را می توان شامل دو جنبه دانست: یک جنبه آن به وسیله خود اسلام پدید آمد و در پرتو خالقیت و ابتکار مسلمانان بسط و گسترش یافت، در حقیقت منشأ این جنبه از تمدن اسلامی قرآن و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بود؛ اما جنبه دیگر تمدن اسلامی، نه ابداع مسلمانان، بلکه میراث به جای مانده از تمدن های پیشین در قلمرو اسلام بود که به دست مسلمانان توسعه و تکامل یافت و به رنگ اسلام درآمد.

شخصیت تمدن ساز حضرت علی(ع)

حضرت علی(ع)، پرورش یافته دامان پیامبر و شاگرد برجسته مکتب رسالت، از چنان مرتبه علمی بهره مند است که گستره علم ایشان قابل احصاء نیست تنها این حدیث متواتر در بین شیعه و اهل سنت کافی است که پیامبر

اکرم (ص) فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ»

من شهر دانشم و علی دروازه آن، هر کس دانش می خواهد باید از دروازه اش وارد شود. «پیامبر اکرم صلی اهلل علیه و آله در حدیث دیگری فرمود: «أَعْلَمُ أُمَّتٍ مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؛ دَانَا تَرِيْنِ اَمْتٍ مِنْ بَعْدِ اَزْ مِنْ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ اسْت.»

و نیز درباره گستردگی علم علی علیه السلام فرمود: «خداوند آن قدر از فهم و دانش به او (علی علیه السلام)

عطا فرمود که اگر فهم و دانش او را بین زمینیان تقسیم کنند، همه را دربر خواهد گرفت(همه دانا می شوند

ایشان در حدیث دیگری می فرماید: «حکمت به ده بخش تقسیم شده است، به علی ده قسمت آن داده شده و

بقیه مردم یک بخش.» سخنان امام علی(ع) که به مناسبت های مختلف فرموده است، بیانگر علوم جامعی در نزد

ایشان است که پس از قرآن و کالم رسول خدا(ص) نظیر ندارد. بیانات ارزشمند امام در بحث های خدانشناسی،

دین شناسی، امور اجتماعی، اخلاق، عبادات و ... در بالا ترین مرتبه و در حد اعجاز است و می تواند به صورت



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یک طرح اساسی برای پی ریزی عقاید دینی و ترسیم خط سیاست اسلامی و تنظیم پایه های اخلاق مذهبی و در نهایت هدایت و رستگاری بشریت و رسیدن به سرمنزل سعادت مورد بهره برداری قرار گیرد.

آثار بسیاری به حضرت علی نسبت داده اند که برخی نگارش خود حضرت بوده و برخی را از سخنان ایشان

گردآوری نموده اند و برخی را هم آن حضرت املاء کرده و دیگران نوشته اند. مصحف، کتاب علی، مسند،

نهج البلاغه، احکام الدیات و کتاب السنن الاحکام و القضايا از آثار منتسب به امام علی است. افزون بر این، علی

در پایه گذاری برخی از علوم نیز نقش اساسی داشته است. چنانچه جرج جرداق نوشته: علی بن ابی طالب قطب

اسلام و سرچشمه معارف و علوم عرب بود، هیچ دانشی در عرب وجود ندارد، مگر آنکه اساسش را علی پایه

گذاری کرده یا در وضع آن، سهیم و شریک بوده است؛ که علم فقه، تفسیر، کلام، نحو و قرائت از جمله آن

علومند. از دیگر ابعاد شخصیت تمدن ساز حضرت علی، ایجاد یک بینش مبتنی بر علم در بین عموم مردم بود؛

ایشان با اندیشه های متعالی خود تحولی نوین در حیطه دانش و علم افزایی بشر پدید آورد و در این راه دیگران

را به پیروی از خود فراخواند. ایشان علم را سلطان و عامل پیش بردگی و پیش روندگی جامعه می داند؛ اهمیت

این موضوع را در این جمله امام علی خطاب به یکی از یاران با وفای خویش، کمیل بن زیاد نخعی، می توان

فهمید: « يَا كَمِيلُ، الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ، وَ الْمَالُ تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ وَ الْعِلْمُ يَزُكُّوْا عَلَي الْإِنْفَاقِ، وَ صَنِيعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ » (کمیل بن زیاد گوید: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب دستم را بگیرت و مرا به طرف بیابان برد، چون به صحرا رسید، آهی از صمیم جان برکشید و گفت: ای کمیل! دانش بهتر از مال است، زیرا علم، نگهبان تو است و مال را تو باید نگهبان باشی، مال با بخشش کاستی پذیرد اما علم با بخشش فزونی گیرد و مقام و شخصیتی که با مال به دست آمده با نابودی مال، نابود می گردد)

مسئله تعلیم و تعلم چنان ارزشی نزد امیرالمؤمنین داشت که افزون بر سفارش به دیگران، خود نیز مجلس درس

داشت. امام باقر می فرماید: هنگامی که علی نماز صبح را به جا می آورد، تا طلوع خورشید در حال تعقیب نماز

بود؛ هنگام طلوع خورشید تهی دستان و مستمندان و دیگر قشرهای مردم نزد او جمع می شدند و او به آنان دین شناسی و قرآن می آموخت و در ساعتی خاص از این جلسه برمی خاست. امام علی با این رویکرد علمی و تربیت شاگردانی چون ابوالسود دوئلی، علی بن ابی رافع، عبیدالله بن ابی رافع، سلمان فارسی و حارث همدانی، کوفه را به مرکز علمی تبدیل کرد و مکتب علمی کوفه را بنا نهاد.

تبلور تمدن اسلامی در سیره و حکومت حضرت علی





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

جایگاه تمدن ساز علی صرفا به این دلیل نیست که ایشان مقام علمی والایی داشتند و پایه گذار علوم بسیاری بودند و شاگردان بسیاری پرورش دادند؛ بلکه در این است که امام علی ببنش تمدنی داشت و در حکومتش برای تمدن سازی چارچوب طراحی کرد. نقش اساسی حضرت در تمدن اسلامی، تقویت مؤلفه های تمدن-ساز فرهنگ اسلامی در میان مردم و به کارگیری آن در حکومت خویش است. حضرت برای حکومت برنامه دارد و این از نامه و خطبه های ایشان کاملا مشخص است. توجه به معیارهایی که علی برای حکومتش ترسیم کرده بود، نشان می دهد رویکرد امام علی رویکردی تمدن ساز بود و هریک از معیارهای حکومت ایشان قدمی برای ساخت و تثبیت تمدن اسلامی بوده است. امام علی در دورانی به حکومت رسید که اسلام دچار انحراف شده بود. اگر مرام و منش و سیاست های حکومتی ایشان نبود، بی گمان امویان ریشه های تمدن نوپای اسلامی را می خشکاندند و چیزی از تمدن اسلامی باقی نمی ماند؛ ولی مبنا قرار گرفتن مؤلفه های تمدن ساز در حکومت امیرالمؤمنین ضمن آنکه حیات دوباره به تمدن اسلامی بخشید؛ راه و نقشه ای برای آن ترسیم کرد که انحرافات دوره اموی نیز مانع از بالندگی آن در سده های بعد نگردد.

## اخلاق

خداوند در قرآن می فرماید: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفاق، ۲۴) ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اجابت کنید و نیز پیامبر را آن گاه که شما را به اسلام که موجب حیات

شماست فرامی-خواند... امام علی نیز همچون پیامبر در پی احیای جامعه مرده اسلامی بود؛ چگونه؟ با اجرای اصول و قواعدی که همین ها تمدن ساز شدند. بر این مبنا، الگوی تمدن سازی علی محمد است و اصول تمدن سازی علوی همان اصول تمدن ساز نبوی است. در ادامه به تبلور شاخصهای تمدن اسلامی در حکومت حضرت علی و سیره ایشان اشاره می کنیم.

اخلاق از منظر حضرت علی آنچه مایه برتری آدمیان و سبب والایی ایشان است، کرامت های اخلاقی است. ایشان، که خود کامل-ترین تجلی مکارم اخلاق در اجتماع خویش بوده، می-فرماید: اگر قرار باشد ما در زندگی به چیزی تعصب بورزیم و ایستادگی کنیم و از آن عبور نکنیم، آن اخلاق است:

«فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ مِنَ الْعَصَبِيَّةِ... فَلْيَكُنْ تَعَصُّبُكُمْ لِمَكَارِمِ الْخِصَالِ وَ مَحَامِدِ الْأَفْعَالِ وَ مَحَاسِنِ الْأُمُورِ»



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پس اگر در تعصب ورزیدن ناچارید، برای اخلاق پسندیده، افعال نیکو و کارهای خوب تعصب داشته باشید...  
امیرمؤمنان (ع) اخلاق را فقط خصلت و رفتار نمی داند. ایشان میدان اخلاق را خیلی وسیع و در تمام امور  
زندگی می بیند

الَّتِي تَفَاضَلَتْ فِيهَا الْمَجْدَاءُ وَالنَّجْدَاءُ مِنْ بَيِّنَاتِ الْعَرَبِ وَيَعَاسِيِبِ الْقَبَائِلِ، بِالْأَخْلَاقِ الرَّغِيْبَةِ وَالْأَحْلَامِ الْعَظِيْمَةِ وَالْأَخْطَارِ الْجَلِيْلَةِ وَالْأَثَارِ  
الْمَحْمُودَةِ؛ (اخلاق) همان افعال و کرداری که انسان های با شخصیت و شجاعان خاندان عرب و سران قبائل در آنها از یکدیگر پیشی  
می گرفتند، یعنی اخلاق پسندیده، بردباری به هنگام خشم فراوان، و کردارو رفتار زیبا و درست، و خصلت-های نیکو»

این ها مواردی است که انسان های بزرگوار و شایسته در آن از هم سبقت می گیرند و جامعه ای سالم و متمدن است که با ارزش  
ترین مسابقه اش در اخلاق باشد؛ پس نوع نگاه امام (ع) به اخلاق نگاه وسیعی است.

عزت نفس و کرامت انسانی

احترام به شخصیت انسان و به طور کلی کرامت انسانی از اهداف و خط مشی اصلی حکومت امام علی بوده و  
در اندیشه و سیره عملی امام مشهود است. واژه عزت و کرامت در نهج البلاغه از کلیدواژه های اصلی است.

عزت و کرامت حیات است و ذلت و خواری مرگ؛ هرگاه انسانی احساس عزت نماید زنده است و تمدن ساز.

امام علی می خواهد با زنده کردن فطرت انسانی تمدن سازی نماید. رفتار امیرالمومنین با مردم تابعه حکومتش بر مبنای تقویت عزت  
و کرامت انسان ها بود. عزت مندی باعث تقویت باور و اعتماد به نفس انسان می شود که

عامل بسیار مهمی در تمدن سازی است. رفتار و منش امام علی باعث احساس عزت و کرامت ایرانیان شیعه شد

و نتیجه آن نقش آفرینی ایرانیان در تمدن اسلامی شد؛ در حالی که اگر این توجه حضرت در سیره انسان ساز

ایشان نبود، ممکن بود تحت تأثیر رفتار ضدانسانی و ذلت بار امویان از دین اسلام برگردند و هیچ گاه چنین

نقش حیاتی را تمدن اسلامی ایفا ننمایند. خطاب امام علی در اکثر خطبه های ایشان انسان است نه مسلمان و

مؤمن، و همین یک رویکرد تمدنی است. امام نگرشی انسانی و فرامذهبی نسبت به مردم داشت، تا جایی که

صرفاً انسان بودن افراد در جامعه را عاملی می داند که باید بر مبنای آن حقوق انسانی و شهروندی آنان تأمین

شود. حضرت فقط در عهدنامه مالک اشتر در سی مورد به مردم و نوع انسان اشاره میکند که در همه این موارد

انسان-ها فارغ از قوم و قبیله، و ملت و مذهب برابر دیده شده اند و هیچ-گونه تفاوتی در ملیت، رنگ، نژاد، و

صنف میان مردم آن جامعه وجود ندارد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

حضرت علی (ع) خطاب به حاکم مصر می-فرمایند:

وَأَشْعِرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ. وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ. فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرَ لَكَ فِي الْخَلْقِ:

مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز، چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دستهای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش میباشند.

آزادی

آزادی حکومتی می تواند در مسیر تمدن سازی گام بردارد که بستر آزادی های فردی و اجتماعی را برای

مشارکت همگانی در امور فراهم آورد. امام علی با درک این مطلب سعی در ایجاد زمینه های لازم برای این امر

در جامعه داشت. حضرت علی(ع) در گفتار و رفتار خود، آزادمنشی و حریت را به مردم آموخته و اختیار انسان

را در سخن و کردار یادآور شده و پاداش و جزا در آخرت را نیز در راستای افعال اختیاری و آزادانه انسان

ارزیابی کرده است. به عقیده حضرت علی(ع) انسان-ها، همه احرار و آزاده هستند و به-طور طبیعی نباید تحت

سلطه-ی دیگری باشند. امام علی(ع) به فرزندش امام مجتبی(ع) است: «وَلَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ

حُرًّا» بنده دیگری مباش در حالی که خداوند تو را آزاد آفرید.

عبارت امام علی(ع) تأکید دارد که خداوند، نعمت آزادی را به انسان داده است و انسان نباید خود را در معرض

استعمار، بهره-کشی و سلطه-ی دیگران قرار دهد واصل حریت و آزادی خود را به خطر اندازد.

امام علی هرگز رأی و فکر خود را به دیگران تحمیل نکرده و مخصوصا چون قدرت داشته از روش ارباب و

تهدید استفاده نکرد. نحوه ی برخورد حضرت علی(ع) با خوارج اوج توجه به آزادی فکر و عقیده و تبلور

جریان تمدن ساز علوی در مقابل جریان جمود و تحجر است؛ امام درحالی با خوارج درنهایت آزادی ممکن

رفتار کرد، که در رأس قدرت قرار داشت و می توانست از ابتدا با آنان با خشونت رفتار کند، اما چنین نکرد و

حتی اجازه داد آزادانه به بحث درخصوص عقاید خویش بپردازند و خود نیز با آنان بحث می کرد و مانند سایر

مسلمانان با آنان رفتار می کرد و حقوق اجتماعی شان را رعایت می کرد. به نظر شهید مطهری امیرالمؤمنین (ع) در سیاست به

آزادی افکار معتقد بود، زیرا با خوارج در منتهی درجه آزادی و دموکراسی رفتار کرد.

خوارج در همه جا عقیده و نظر خود را آزادانه بیان می کردند و حضرت و اصحابش، با منطق، با عقیده آنان



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مبارزه می کردند و به استدلال-های ایشان پاسخ می-دادند. امام علی(ع) در برخورد با خوارج تا جایی که تنها اظهار نظر بود و بس، آنان را آزاد گذاشت، با این که برخورد آنها بسیار سخیف و به دور از ادب بود، ولی موضع موال در نهایت سعه صدر و خویشتن داری بود. بیادبی آن ها همین بس که به هنگام نماز جماعت امام علی (ع) گوشه-ای میایستادند و فرادی نماز میخواندند! به هنگام خطابه حضرت سر و صدا به راه میبنداختند و مزاحم استفاده مردم از خطابه دلنشین حضرت می-شدند! به هنگام نماز حضرت، با خواند آیات کفر و شرک به امام تعریض داشتند! ولی امام، با صبر و حلم و بردباری و سعه صدر می فرمود: شما نزد ما سه چیز را دارید: ۱- مانع نماز خواندن شما در مسجد نمی شویم -۲ حق تان را از فیء (بیت المال) قطع نمی کنیم مادامی که دستتان در دست ماست (یعنی دست به توطئه عملی علیه حکومت نزدید). -۳ تا شما جنگ را آغاز نکریدید، ما نبرد نمی کنیم (ما آغازگر جنگ با شما نیستیم).

امام علی (ع) آزادی بیان را نیز محترم می شمرد و حتی مردم را تشویق و ترغیب به انتقاد از خودشان می کرد و اینکه آزادانه و بدون هیچ واژه ای افکار و اندیشه های خود را بیان نمایند. ایشان می کوشید که مردم، حکومت را از آن خود بدانند و از مناسبات سلطه گرانه و سلطه پذیرانه بیرون شوند و از دورویی و مصلحت اندیشی در بیان نظرات خود بپرهیزند؛

امام (ع) فرمود:

فَلَا تَكْلُمُونِي بِمَا تَكَلَّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةُ وَلَا تَتَحَقَّقُوا مِنِّي بِمَا يَتَحَقَّقُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ وَلَا تُخَالِطُونِي بِالْمُصَانَعَةِ

با من چنانکه با پادشاهان سرکش سخن می گوئید، حرف نزنید و چنانکه از آدم های خشمگین کناره می-گیرید، دوری نجوئید و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید، بر من گران آید، یا در پی بزرگ نشان دادن خویشی؛ زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن برای او دشوارتر خواهد بود. پس از گفتن سخن حق یا مشورت درباره عدالت با من خودداری نکنید.»

در حکومتی که مورد نظر امام علی (ع) است همه ی مردم حق اظهار نظر دارند؛ زیرا همیشه این احتمال وجود دارد که حاکم در مسئله-ای متوجه نباشد (زیرا در هر صورت انسان ممکن-الخطا می-باشد و هر زمامداری معصوم نیست)، و مردم باید بتوانند که به صورت آزادانه یکدیگر و یا حتی حاکم را نصیحت کنند و یا او را در مورد مسائل آگاه کنند و حاکم وظیفه دارد که به نظر مردم توجه نماید.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ارتباط مستقیم کارگزاران با مردم، اختصاص بخشی از وقت خود برای شنیدن سخن ها و انتقادات مردم و تواضع در برابر آنان، از نکات قابل توجه در فرامین آن حضرت به کارگزاران است وَأَجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ، وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًا، فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ، وَتَقْعِدَ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَأَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَشُرَطِكَ، حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَتَعِنِعِ ...

پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصا به امور آنان رسیدگی کنی، و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن-گفتن با تو گفتگو کند.

آزادی بیان در چارچوب معقول می-تواند به رشد و پیشرفت کشور کمک شایانی نماید، اما اگر کسی با سوءاستفاده از آزادی، قصد ایجاد فتنه و آشوب در جامعه داشته باشد، باید جلو این سوءاستفاده گرفته شود و

این محدودیت در حقیقت برای پاسداشت آزادی بیان است. امام علی برای آزادی بیان محدوده و شرایطی نیز

قائل بود که برخی از آنها عبارتند از: حفظ اصول و مبانی اسلام، رعایت حقوق سایر افراد و حفظ مصلحت

جامعه. موضع-گیری حضرت علی(ع) در برابر خوارج همواره با خویشتنداری و ارشاد بود و خوارج در فعالیت-های خود آزاد بودند ولی این آزادی تا زمانی ادامه یافت که فعالیت-های آنان با نظم و امنیت جامعه و

حقوق دیگران منافات نداشت. همین که به فتنه و آشوب پرداخته و دست به ایجاد ناامنی و اغتشاش زدند،

حضرت با آنان برخورد قاطع کرد.

عدالت

عدالت از مهم ترین مؤلفه های تمدن سازی است که جایگاهی محوری در حکومت امام علی دارد و عدالت-ورزی ایشان از شاخص های برجسته و الگوبخش سیره حکومتی ایشان است؛ به گونه ای که حکومت تقریباً پنج ساله حضرت علی، نمونه ای ماندگار از شیوه زمامداری مبتنی برعدالت محسوب می شود.

برای بیشتر حاکمان بشری استمرار حکومت اولویت دارد؛ در حالی که اولویت حکومت علی برپایی ارزش

هایی چون عدالت است. خود حضرت می گوید: من فقط برای اجرای عدالت و گرفتن حق مظلومان مسئولیت

حکومت را پذیرفتم. امری که امام هیچ لحظه ای از آن غافل نشد؛ چنانکه جرج جرداق مینویسد: «وصیت های

امام و نامه های وی به فرمانداران، شاید همیشه به دور محور واحدی می چرخید و آن عدالت بود و مردم اعم از



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دور و نزدیک، علیه او متحد نشدند، مگر به خاطر آنکه او در عدالت میزان و کسی بود که به جانب نزدیک و خویش متمایل نمی گشت و با زورمندان سازش نمی کرد و جز حق چیزی در او تأثیر نداشت.

با توجه به اهمیت فراوان این موضوع، لزوم برقراری عدالت و مبارزه با ظلم و ستم جزو مواردی است که امیرالمؤمنین به مراتب از آن سخن آورده است و تمامی آحاد جامعه، بالخص مسئولین و سرمداران را به آن سفارش کرده و آنها را از نتایج بی عدالتی در جامعه برحذر داشته و نتایج آن را ذکر کرده است. حدود ۳/۸ درصد از خطبه های نهج البلاغه، ۱۱/۳۹ درصد از نامه-ها و ۰/۶۲ درصد از کلمات قصار عباراتی پیرامون عدالت بیان شده است که در مجموع شامل ۲/۶۳ درصد از خطبه-ها، نامه-ها و کلمات قصار موجود در

نهج-البلاغه می-شود. از نظر امام علی مالک سیاست و هدف اصلی و غایی حکومت برقراری و گسترش عدالت است. ایشان حکومت را راهی برای برقراری عدالت، احقاق حق، و خدمت به اجتماع می دانند. از نظر امام آن اصلی که می تواند تعادل اجتماع را حفظ کند رضایت همه را تأمین کند، و به پیکر اجتماع سلامت و به روح آن آرامش بخشد، عدالت است. امام همه نیکی-ها را در سایه عدالت-خواهی و عدالت-گرایی دانسته و آن را شریف-ترین اصل در به کمال رساندن فرد و جامعه معرفی کرده؛ زیرا در پرتو عدالت است که همه چیز در مجرای صحیح خود قرار می-گیرد و حق هر ذیحقی ادا می شود و بستر کمال برای همگان مهیا می-شود و دولت ها پایدار می شود.

و جامعه آهنگ پیشرفت می گیرد. در حکومت دینی و سیره عدالت محور امام علی(ع) با فرزندان و برادران و نزدیک ترین یاران نیز همانند دیگر مردم رفتار می شد و حضرت هرگونه سهل انگاری در این زمینه را جایز نمی دانست. اگر آنان حیف و میل و سهل انگاری در حقوق مردم و انجام مسئولیت خود می داشتند، با قاطعیت با آنان برخورد می شد؛ برای نمونه، یکی از پسر عموهای حضرت در بیت المال بی دقتی کرد، امام او را چنین سرزنش کرد: «از خدا بترس و این اموال را به صاحبانش بازگردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا یاری دهد تا بر تو دست یابم و کیفرت دهم، با شمشیرم تو را خواهیم زد که هرکس را بدان بزنم، به دوزخ روان گردد. به خدا سوگند اگر فرزندانم حسن و حسین همانند کار تو می کردند، در حق آنان گذشت نمی کردم و بدون تردید حق دیگران را از آنان باز پس می گرفتم». رفتار قاطع امیرالمؤمنین با علی بن ابی رافع، خزانه دار حضرت، به دلیل دراختیار قراردادن گردنبنند مرواریدی از غنایم جنگ جمل به دختر حضرت، و مذمت دخترش به خاطر این کار نادرست، نمونه ای دیگر از برخورد عادلانه امام علی در حکومتش بود. توجه امام به عدالت تا حدی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

است که علی از کارگزاران و کارکنان خود می خواهد حتی در نگاه کردن آنرا پاس بدارند و چنان منصفانه رفتار کنند که هیچ بهره کش و ستمگری در آنان طمع نبیند.

آن حضرت در عهدنامه محمد بن ابی بکر این گونه فرمان داده است: در نگاه هایت، و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن، تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند، و ناتوانها از عدالت تو مأیوس نگردند.

## حق مداری

حق مداری مظهر حکومت علوی است. فریاد او برای احقاق حق و یکسان-نگری او به قانون زبازد همگان است. علی در تمام دوران حکومتش جز به مر حق رفتار نکرد. حق چنان برای علی مهم بود که در وسط معرکه جنگ (صفین) از حق متقابل حاکم و مردم صحبت میکند.

از نظر امام علی (ع)، رعایت حقوق متقابل زمامدار و مردم ثمرات فراوانی دارد: «فَإِذَا أَدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهَا، وَأَدَّى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا، عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ، وَقَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ، وَأَعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ، وَجَرَتْ عَلَى أَذْلِهَا السُّنَنُ، فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ، وَطَمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ، وَيُسِّتُ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ: زَمَانِي كَه رَعِيَّتِ حَقَّ خُود رَا نَسْبِتْ بَه وَالِي بَه-جَا آوَرْد و والی نیز حق خود را نسبت به رعیت ادا نماید، حق در میان آن-ها عزت یابد و پایه-های دینشان استوار گردد؛ نشانه-های عدالت آشکار شود و سنت-های پیامبر در مسیر خود افتد و اجرا گردد. در پای آن، روزگار به صالح آید، امید به بقای دولت قوت گیرد و دشمنان مأیوس گردند.» آن حضرت پایمال شدن حق را با هیچ عذری نمی پذیرد؛ حتی با توجیه مأمور معذور است. از این رو، به مالک اشتر می فرماید: به مردم نگو، به من فرمان دادند، من نیز فرمان می دهم پس باید اطاعت شود.» علی با معیارقراردادن حق، این اصل را در جامعه اسلامی فراگیر کرد. حکایت ابن طیفور مبنی بر حق خواهی سوده همدانی از معاوبه نمونه ای از این مورد است.

## اقتصاد

اقتصاد پویا یکی از مؤلفه های اساسی تمدن است. دیدگاه امام علی به اقتصاد (و بلکه دنیا) سودگرایانه نیست تا فقط در پی سود مادی باشد، و راهبانه و تارکانه هم نیست تا به کلی آن را ناپسند شمارد؛ بلکه با رعایت حدود و معیارهایی، همیشه مردم را به کار و فعالیت در عرصه زندگی تشویق می-کند. ایشان در تقسیم ساعات شبانه روز زندگی فردی مؤمن در کنار عبادت و ارزش-های اخلاقی، اقتصاد را نیز مطرح می-فرماید؛ امام در این کلام، برای اقتصاد، نقشی هم-تراز «عبادت» قائل



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می شود و اقتصاد را مجموعه اعمالی می-داند که تابع نظام ارزشی حاکم بر انسان است. نگاه کمال-خواهانه امام به اقتصاد و فعالیت-های دنیایی را می-توان در جای-جای زندگی و نامه-ها و دستورالعمل-های وی به کارگزارانش مشاهده کرد. حضرت به کارگزار خود در آذربایجان (اشعث بن قیس) می-فرماید: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نخواهد بود، بلکه امانتی است در گردن تو» یعنی نگاه امام علی (ع) به اقتصاد و امور مادی و دنیایی، که از معرفت-شناسی او تأثیر می-پذیرد، از افق دید مکاتب مادی فراتر است که تنگ-نظرانه خواسته-اند همه چیز را در جهان مادی خالصه کنند. هدف غایی عدالت اقتصادی در دولت اسلامی اصلاح و تعالی افراد جامعه است. نص و دستورالعمل زیر را می-توان نمونه-ای از این روابط شفاف و بی پیرایه حاکمیت علوی با مردم در بعد اقتصادی عدالت دانست: مالیات و بیت المال را به گونه ای واریسی کن که صالح مالیات دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می باشد، و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت، زیرا همه مردم نان خور مالیات و مالیات دهندگانند. باید تالش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی گردد، و آن کس که بخواد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب، و بندگان خدا را نابود، و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد. پس اگر مردم شکایت کردند، از سنگینی مالیات، یا آفت زدگی، یا خشک شدن آب چشمه ها، یا کمی باران، یا خراب شدن زمین در سیلاب ها، یا خشکسالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد، و هرگز

تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد زیرا آن، اندوخته ای است که در آبادانی شهرهای تو، و آراستن ولایت های تو نقش دارد...

در دوران کوتاه حکومت امام علی که بیشتر آن هم به جنگ سپری شد، حضرت برای شکوفایی و بهبود وضعیت اقتصادی مردم همت فروانی کرد؛ به گونه ای که خود آن حضرت درباره وضعیت کوفه می گوید:

مَأْصَبَ الْكُوفَةِ أَحَدٌ إِلَّا نَاعِمًا إِنَّ أَدْنَاهُمْ مَنْزِلَةً لِأَكْلِ الْبُرِّ وَ يَجْلِسُ فِي الظِّلِّ وَ يَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْفِرَاتِ؛ بر این اساس، همه مردم کوفه برخوردار از نعمت بودند و پایین ترین طبقات آنها نان گندم مصرف می کردند؛ منزل و سرپناه

داشتند و آب گوارا می نوشیدند. ایجاد چنین وضعیتی که مردم امکانات اقتصادی مناسبی داشتند، نیازمند برنامه ریزی و مدیریتی هدمند است.

اتحاد و همبستگی اجتماعی اتحاد و ترویج وحدت از عوامل اصلی تمدن سازی است. با نگاهی به سیره علوی روشن می شود که در دوران پرمناقشه پس از پیامبر، این رفتار وحدت گرایانه امام علی بود که باعث شد نهال تمدنی که پیامبر صل الله علیه و آله بر اساس گسترش یافتن علم و خرد در جامعه اسلامی کاشته بود، نخشکد و تبدیل به درختی تنومند به نام «تمدن اسلامی» گردد. از آموزه های علوی این گونه برداشت می شود که

حضرت علی (ع) جایگاه و منزلتی بس والا برای «وحدت امت اسلامی» قائل بوده-است؛ به گونه ای که، آن را





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منت و موهبتی بی دلیل از جانب خداوند متعال می شمرد.

آن حضرت، در جای جای نهج البلاغه، بر اهمیت و ضرورت وحدت و پرهیز از تفرقه و پراکندگی امر می کند: «وَعَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَالتَّبَادُلِ، وَإِيَّاكُمْ وَالتَّدَابُرَ وَالتَّقَاتُحَ: بر شما باد به پیوستن با یکدیگر و بخشش

ه ایشان با مرور رخدادهای گذشته و پندپذیری از آن-ها، هرگونه آشوب و خروش فرقه-های مختلف مسلمانان بر یکدیگر را نفی می-کند و آن-ها را به آرامش و سعه صدر فرا می-خواند و با پرهیز از هرگونه شتاب-زدگی در امر حکومت، همچنان بروحدهت مسلمانان پافشاری می-نماید.

حکومت از نگاه امام علی (ع) نقش مستقیم و مؤثری در وحدت و یکپارچگی امت دارد؛ زیرا امتی که با داشتن هدف الهی، در مسیر تکامل گام بر می-دارد، ناچار باید به رهبری تمسک جوید که تبلوری از آرمان الهی و مورد قبول باشد. امام با این تشبیه ساده در بیان خود، خاطرنشان می-سازد که آرمان عالی وحدت امت، بستگی به وجود قیم و سرپرست دارد که به دور از اختلاف نظرها و جدای از عوامل تفرقه و تبعیض، امت را در یک محور بنیادین گرد آورد و از تفرقه و پراکندگی - که سبب آسیب-پذیری است - مصون دارد. امام در برخی موارد اتحاد امت اسلامی را از بعد جامعه-شناختی مورد بحث قرار داده و اهمیت آن را تبیین می-کند. در این تحلیل اتحاد ملت-ها و دولت-های اسلام با یکدیگر و یا حداقل همسویی و ائتلاف آنان با آثار و پیامدهای قابل توجهی همراه خواهد بود، از جمله آثار ناشی از این امر که امام در خطبه «قاصعه» بیان می-کند موارد زیر را می-توان استخراج کرد: «وحدت اجتماعی داشتند، خواستههای آنان یکی، قلبهای آنان یکسان، و دستهای آنان مددکار یکدیگر، شمشیرها یاریکننده، نگاهها به یکسو دوخته، و ارادهها واحد و همسو بود، آیا در آن حال مالک و سرپرست سراسر زمین نبودند؟ و رهبر و پیشوای همه دنیا نشدند؟ پس به پایان کار آنها نیز بنگرید! در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند، و الفت و دوستی آنان از بین رفت و سخن-ها و دل-هایشان گوناگون شد، از هم جدا شدند، به حزب-ها و گروهها پیوستند، خداوند لباس کرامت خود را از تنشان بیرون آورد، و نعمت-های فراوان شیرین را از آنها گرفت، و داستان آن-ها در میان شما عبرت انگیز باقی ماند اسلام مسلمانان را برادر میخواند و خواستار روابط مسالمت آمیز، بلکه بالاتر اتحاد میان آنان می گردد. در



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

قرآن کریم می-خوانیم: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ (حجرات: ۱۰): هر آینه مؤمنان برادرانند» و نیز «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران: ۱۰۳): و همگان دست در ریمان خدا زنید و پراکنده مشوید». عملکرد علی در دوران خانه نشینی و پنج سال دوران حکومتش، تفسیری از این اصول قرآنی بود. امام علی پس از جریان

حکمیت در جنگ صفین، ضمن نامه-ای به ابوموسی اشعری، اهتمام خود به امر وحدت امت اسلامی را چنین

بیان می کند: «همانا بسیاری از مردم دگرگون شدند، و از سعادت و رستگاری بی بهره ماندند، به دنیاپرستی روی آورده، و از روی هوای نفس سخن گفتند... میخواستم زخم درون آنها را مدارا کنم، پیش از آنکه غیر قابل

علاج گردد. پس بدان در امت اسلام، هیچ کس همانند من وجود ندارد که به وحدت امت محمد (ص) از من

حریص تر، و انس او از من بیشتر باشد». رفتار امام در میان معرکه جمل درس انسانیت را طرح می کند؛ آنجاکه به سربازانش سفارش می کند دست به تاراج سپاه جمل نزنند و می گوید این سنت رسول الله در فتح مکه است. این گونه رفتارهای مسالمت جوینانه امام در اوج اختلاف نمودی از رویکرد تمدن ساز امام است. علی (ع) در

نهج-البلاغه عواملی را جهت دست-یابی امت اسلامی به وحدت و همبستگی متذکر می-شود: الف. دین: یکی

از عوامل اصلی اتحاد، که هیچ حد و مرزی نمی شناسد و می تواند ملت های مختلف و نژادهای گوناگون را

شامل شود، دین و مکتبی الهی است. حضرت علی (ع) در سخنان متعددی، این عامل وحدت و انسجام امت ها

را ذکر می-کند. آن حضرت برای تداوم و استواری این عامل قوی برای اتحاد، امت را از موضع گیری های

رنگارنگ در دین برحذر می دارد: «زنهار! از موضع گیری های رنگارنگ در دین، که اتحاد بر محور حق و

دین هرچند شما را خوش نیاید بهتر از پراکندگی در باطل است گرچه شما را خوش آید که بی گمان در

تاریخ گذشته و آینده بشر، هرگز خداوند با اختلاف، خیری را ارزانی کسی نداشته است و نمی دارد.» ایشان در

خطبه ۱۱۳ می-فرماید: «وَأِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ، وَسَوْءُ الضَّمَائِرِ، فَلَا

تَوَازُرُونَ، وَلَا تَنَاصِحُونَ، وَال تَبَادُلُونَ، وَال تَوَادُّونَ: همانا شما برادران دینی یکدیگرید؛ چیزی جز درون پلید و

نیت زشت، شما را از هم جدا نساخته است، نه یکدیگر را یاری می-دهید، نه خیرخواه یکدیگرند و نه چیزی به

یکدیگر می-بخشید و نه به یکدیگر دوستی می-کنید.»

امروز هم هیچ حلقه ی اتصالی، جز حلقه ی دین و باورهای دینی، نمی-تواند مسلمانان را متحد و با هم مرتبط



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

سازد. ب. پیامبر: دومین عاملی که حضرت امیر به آن توجه دارد و آن را محور همبستگی مسلمانان می‌داند، وجود پیامبر گرامی اسلام و سیره‌ی ارزشمند اوست. همه‌ی مسلمانان نسبت به پیامبر عشق می‌ورزند و این محبت وصف ناپذیر می‌تواند مرکز وحدت و انسجام اسلامی باشد. امام علی می‌فرماید: «وَاللَّهُمَّ وَاحِدٌ! وَنَبِيُّهُمْ وَاحِدٌ! وَكِتَابُهُمْ وَاحِدٌ! أَفَأَمْرَهُمُ اللَّهُ - سُبْحَانَهُ - بِالْاِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ» در صورتی-که خدایشان یکی، پیغمبرشان یکی و کتابشان یکی است، آیا خدای سبحان، آنها را به اختلاف فرمود که اطاعت کردند؟»

ج. قرآن: از عوامل مؤثر و مهم دیگر در ایجاد وحدت و انسجام اسلامی که در سخنان گهربار امام علی (ع) تذکر داده شده است؛ قرآن است. بدون تردید همه‌ی مسلمانان در این امر توافق دارند که تمام آیات و کلمات قرآن وحی الهی است و خداوند آن را طریق عزت و سعادت، کمال و سلامت قراردادده است و آموزه‌هایش وحدت و انسجام جدی را متوجه مسلمانان می‌سازد و آنان را به تعاون و همیاری فرا می‌خواند و اهداف و آرمان‌های بی‌بدیلی چون برپایی نظام ارزشی اسلامی، توسعه و تحکیم عدالت اجتماعی و زدودن فقر و فساد و ظلم، جز با وحدت و هم‌گرایی امکان‌پذیر نیست. علی(ع) نیز با توجه به همین ویژگی قرآن در ضمن خطبه‌ای می‌فرماید: «وَإِحْيَاؤُهُ الْإِجْتِمَاعُ عَلَيْهِ، وَإِمَاتَتُهُ الْإِفْتِرَاقُ عَنْهُ؛ زنده کردن قرآن این است که دست وحدت به هم دهند و به آن عمل نمایند و میراندن آن، از بین بردن پراکندگی و جدایی است..»

روش تحقیق

روش تحقیق مجموعه‌ای از قواعد، ابزار و راه‌های معتبر و نظام یافته برای بررسی واقعیت‌ها، کشف مجهولات و دستیابی به راه حل مشکلات است. اینکه کدام روش برای یک مطالعه خاص بهترین روش است بستگی به شیوه تعریف مساله و تدوین فرضیه‌ها دارد. هدف از این منظر، ارائه توضیحاتی در خصوص روش تحقیق مورد استفاده در مطالعه حاضر می‌باشد و در خصوص ابزار و شیوه جمع‌آوری اطلاعات و روش‌های تجزیه و تحلیل فرضیه‌های تحقیق، بحث می‌گردد. هدف از انتخاب روش تحقیق آن است که محقق مشخص نماید چه شیوه و روشی را اتخاذ نماید تا او را هرچه سریع‌تر، دقیق‌تر، آسان‌تر و ارزان‌تر در دستیابی به پاسخ‌های احتمالی کمک نماید. پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی و از نظر هدف کاربردی می‌باشد. از آن جهت کاربردی است که در کلیه مراکز با استناد به نتایج تحقیق و تاکید بر عوامل اثرگذار، مورد استفاده قرار می‌گیرد



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

و راه کارهای مناسب ارائه می دهد.

## روش گردآوری اطلاعات

در مطالعه حاضر، برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای استفاده شده است که شامل مطالعه و فیش برداری از کتب و مقالات مرتبط و بررسی گزارش ها، مستندات، روش های اجرایی و مدارک می باشد.

## بحث و نتیجه گیری

حضرت علی هم خودش در تمدن اسلامی نقش آفرین بوده و هم در دوران حکومتش آموزه ها و شاخص هایی را مطرح کرد، که جنبه معرفتی داشته و برای سراسر تاریخ اسلام تمدن ساز بوده است. حضرت علی بینش تمدنی و شخصیتی تمدن ساز داشته است. علی افزون بر علم سرشار و نقش موثر در بنیان گذاری بسیاری از علوم همچون علم فقه، تفسیر، کالم، نحو و قرائت، با ترویج فرهنگ تعلیم و تعلم کوفه را به مرکز علمی تبدیل کرد و مکتب علمی کوفه را بنا نهاد. رهنمودهای علمی امام علی(ع) و توجه به تعلیم و تعلم، ارج قائل شدن به مقام شامخ دانشمندان و ترویج خردگرایی از امتیازهای برجسته حکومت علوی است که در گسترش علم و دانش و شکل گیری تمدن اسلامی بسیار تأثیرگذار بوده است. نقش اساسی حضرت در تمدن اسلامی، تقویت مؤلفه های تمدن-ساز فرهنگ اسلامی در میان مردم و به کارگیری آن در حکومت خویش است. اخلاق، آزادی، عزت و کرامت انسانی، عدالت، حق مداری، اقتصاد و وحدت و همبستگی از مؤلفه های اصلی تمدن ساز در سیره حکومت علوی می باشد. توجه به معیارهایی که علی برای حکومتش ترسیم کرده بود، نشان می دهد رویکرد امام علی رویکردی تمدن ساز بود و هریک از معیارهای حکومت ایشان قدمی برای ساخت و تثبیت تمدن اسلامی بوده است. در دوره ای که اندیشه نوسازی تمدن نوین اسلامی رونق گرفته، نیازمند ارائه

الگوی مطلوبی از کاربرد دین در حوزه سیاسی و زمینه سازی برای ارائه مدلی از تمدن دینی هستیم. در این میان سیره حضرت علی، به عنوان امام و خلیفه مقبول شیعه و سنی، می-تواند مورد الگوبرداری مسلمانان در تمدن سازی نوین اسلامی در همه کشورهای اسلامی قرار گیرد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع و ماخذ:

- ۱- نهج-البلاغه، ترجمه- محمد دشتی، قم، مشرقین، ۱۳۷۹. ابراهیم حسن، حسن. تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۶.
- ۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۱۷.
- ۳- ابن اثیر، اسدالغابه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۴- ابن خلدون، عبدالرحمن. مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.
- ۵- ابن طباطبای (ابن طقطقی)، محمد بن علی. تاریخ فخری، ترجمه محمدوحید گلپایگانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ۶- ابن طیفور، احمد. کتاب بالغات النساء، قم، شریف رضی، بی تا.
- ۷- الصبهبانی، احمد بن عبدهلل. حلیة الولیاء و طبقات أصفیاء، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۵ق.
- ۸- الویری، محسن و سیدرضا مهدی نژاد، «رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن نبی»، دوفصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، سال نهم، شماره هجدهم، پاییزوزمستان، ۱۳۹۲، صص ۱۶۳-۱۹۱.
- ۱۰- امینی نجفی، عبدالحسین احمد. الغدیر فی الکتاب و السنه و الدب، قم، تحقیق مرکز الغدیر للدراسات السالمیه، ۱۴۱۶ق/ ۱۹۹۵م.
- ۱۱- آلمدی التمیمی، عبدالواحد. غررالحکم و دررالکلم: مجموعه من کلمات و حکم الامام علی، تصحیح مهدی الرجالی، قم، دارالکتاب السالمی، ۱۴۲۶ق.
- ۱۲- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدهلل بن محمد. الستیعاب فی معرفه الصحاب، تحقیق علی محمد البجای، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۲م.
- ۱۳- بینش، عبدالحسین. آشنایی با تمدن اسلامی، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۸. توین بی، آرنولد. بررسی تاریخ تمدن(خالصه دوره دوازده جلدی)، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- ۱۴- جان احمدی، فاطمه. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۵- قوشچی، عالءالدین علی بن محمد. شرح تجرید العتقاد، قم، منشورات رضی، بی تا. کاشفی، محمدرضا. «تأثیر امام علی بر فرهنگ و تمدن اسلامی»، دانشنامه امام علی، جلد یازدهم: سیره، زیر نظر علی-اکبر رشاد، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۰

۱۶- کاظمی قهفرخی، سیدمحمد. سیره فرهنگی-ارتباطی امیرالمومنین علی در دوران حکومت، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۶

۱۷- لوکاس، هنری. تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، مؤسسه کیهان، ۱۳۶۶

۱۸- مجلسی، محمد باقر. بحارالنوار الجامعة لدرر أخبار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.